



تروریسم جهش یافته و ظهور تهدید بنیادین مطالعه داعش

علی اشرف نظری - دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران



چکیده:

تحولات بروز یافته در چند سال اخیر و ظهور گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه مسئله غامضی است که موجی از نگرانی و هراس در میان مردمان این دو کشور ایجاد کرده است. پیکارجویان سلفی - تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که پس از ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ م به «خلافت اسلامی» تغییر نام داد، گروهی از تروریست‌های بین‌المللی هستند که از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گردهم آمده‌اند. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر و راه‌اندازی «شبکه دایق» و مجله‌ای با همین عنوان، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت به ظاهر الهی و تکلیف برگشت‌ناپذیر مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضا و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی در گروه و فراملی بودن ایده‌ها

و اندیشه‌های آن‌ها (تلاش برای ایجاد خلافتی بزرگ که در نهایت غرب را هم به قلمرو خود خواهد افزود) موجب شده است که سیر رشد آن‌ها در میان گروه‌های مختلف افراطی به صورت تصاعدی باشد. گستره جغرافیای وسیعی از اردن و یمن گرفته تا عربستان و لیبی و از بلژیک در اروپا تا اندونزی در شرق آسیا تحت تأثیر تبلیغ و نفوذ فکری آن‌ها قرار گرفته است.

در این میان، مسئله داعش متأثر از شرایط و تحولات جدید بین‌المللی در آگوست و سپتامبر ۲۰۱۴م (مرداد و شهریور ۱۳۹۳) وارد فاز جدیدی شده است. تحولات داخلی عراق و شکنندگی ساختارهای نظامی و سیاسی در این کشور، مشکلات ناشی از انتقال قدرت به دولت جدید العبادی، سوء کارکرد دولت نوری مالکی و بروز بحران نفوذ و اقتدار، فقدان نگرش راهبردی و بروز حرکت‌های جدایی‌طلب در کردستان عراق، ناکارآمدی نیروهای نظامی در برخورد با حرکت‌های چریکی و جنگ‌های نامنظم، هراس عمومی و آشفتگی عمیق مدنی و مهم‌تر از همه دستیابی داعش به منابع مالی جدید و اعمال کنترل بر مناطق و مراکز حیاتی موجب شده است که معمای بدخیم تروریسم به یک شوک بزرگ و حتی به صورت محتمل به یک فاجعه بین‌المللی مبدل شود.

واژگان کلیدی: داعش، تروریسم، رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی، عراق.

مسئله‌شناسی

«لاتستصغرن عدواً و ان ضعف: دشمن را کوچک شمار، هر چند ضعیف باشد». (امام علی^(ع))
واقعیت این است که خشونت و افراط‌گرایی سیاسی به‌عنوان یکی از پدیده‌های رایج سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان است. پدیده‌هایی مثل آشوب، تظاهرات، طغیان اجتماعی، خشونت سیاسی، انقلاب، افراط‌گرایی سیاسی، نژادپرستی، نسل‌کشی و تروریسم همواره موجی از نگرانی و وحشت را در میان شهروندان و دولت‌ها ایجاد کرده است. دلایل و شواهدی روشن و گسترده وجود دارد که نشان می‌دهد که خشونت و منازعه پدیده‌ای فراگیر و گریزناپذیر در ساختار دولت ملت‌ها و جوامع مختلف می‌باشد. پاک‌سازی قومی (ethnic cleansing) رخدادی استثنایی نیست که فقط در یوگسلاوی و آلمان عصر رایش سوم اتفاق افتد، بلکه بخشی از فرایندهای عادی است که ممکن است در آینده در مناطق دیگری از جهان رخ دهد. «لری ری» (Larry Ray) با تأکید بر اهمیت ایدئولوژی‌ها و منافع سیاسی استدلال می‌کند «ناسیونالیسم خشن» (violent nationalism) می‌تواند در هنگامه بحران به آسانی تجهیز شود؛ وحشت از نابودی و همراه کردن دیگران با خود و از میان بردن زندگی خود و دیگران، ترس از مرگ و تخریب با وعده‌نهایی دستیابی به شادکامی هر لحظه تمدن را تهدید می‌کند. به‌عنوان مثال، رواندا اغلب به‌عنوان نمونه‌ای گویا برای درک ابعاد چنین هراسی مطرح می‌شود زیرا ظرف مدت سه ماه ۸۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ توتوسی

(Tutsi) به‌دست اکثریت هوتو (Hutu) کشته شدند. (Stone, 49-48) امکان بروز خشونت و گسترش آن، صلح و امنیت عمومی را به خطر می‌اندازد و این ضرورت احساس می‌شود که با فهم ریشه‌ها و علل منازعات خشونت‌بار گام نخست را برای مواجهه فعالانه و مؤثر با آن و جستجوی سازوکارهای حل منازعات و ایجاد آرامش برداشت. (Earl, 1) پیامدهای اعمال خشونت نظیر مرگ، ضرب و جرح، ترس و نفرت نهادینه شده، آواره شدن مردم و تخریب اموال آن‌قدر گسترده است که نمی‌توان از آن غافل شد.

اصطلاح تروریسم می‌تواند به معنای اقدامات خشونت‌بار سیاسی از پیش برنامه‌ریزی شده، علیه اهداف غیرنظامی توسط گروه‌های خرده ملی یا عوامل مخفی، که معمولاً برای اثربخشی بر مخاطبان انجام می‌شود تعریف شود. (Halliday, 25) مؤسسه یادبود ملی پیشگیری از تروریسم (The National Memorial Institute for the Prevention of Terrorism) از این تعریف بهره می‌گیرد: خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی بر علیه اهدافی خاص از سوی گروه‌های فرو ملی یا عوامل زیرزمینی که معمولاً با هدف تأثیرگذاری از طریق رعب و وحشت صورت می‌گیرد». (Katona, 13)

عناصر محوری را در تعریف تروریسم می‌توان چنین برشمرد: (Katona, 14) خشونت یا زور (در ۸۴ درصد تعاریف این مؤلفه وجود دارد)، اهداف سیاسی (۶۵ درصد تعاریف)، ترس یا تأکید بر وحشت (در ۵۱ درصد تعاریف)، تهدید (در ۴۷ درصد تعاریف)، احساسات روان‌شناسی و واکنش‌های قابل پیش‌بینی (در ۴۲ درصد تعاریف)، تفاوت بین قربانیان و اهداف (در ۳۸ درصد تعاریف)، اقدامات عمدی، برنامه‌ریزی شده، نظام‌مند و سازمان‌یافته (در ۳۲ درصد تعاریف)، بهره‌گیری از روش‌ها، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های پیکار (در ۳۱ درصد تعاریف). آنچه تروریسم را از سایر اقدامات خشونت‌بار جدا می‌سازد، این است که تروریسم شامل اقدامات صورت گرفته به روشی غافلگیرانه برای جلب توجه عمومی و ایجاد محیط رعب و وحشت می‌باشد که پیامدهای آن بیش از آسیب رساندن به قربانیان واقعی است. در واقع، هویت قربانیان گاهی برای افراد تروریست اهمیت چندانی ندارد یا اصلاً برای آن‌ها مهم نیست، زیرا هدف اقدام خشونت‌آمیز آن‌ها افراد تماشاگر است. این تمایز بین قربانیان واقعی و تماشاگران هدف، نشانه تروریسم محسوب می‌شود و آن را از سایر انواع درگیری‌های مسلحانه متمایز می‌کند.

در این میان، تحولات بروز یافته در چند سال اخیر و ظهور گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه مسئله غامضی است که موجی از نگرانی و هراس در میان مردمان این دو کشور ایجاد کرده است. پیکارجویان سلفی - تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که پس از ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ م. به «خلافت اسلامی» (در برخی رسانه‌ها از دولت خلافت اسلامی

نیز یاد می‌شود که با توجه به تمایز مفهوم دولت و خلافت و ایده‌های که داعش برای احیای خلافت عباسی و فروریزی مرزهای ملی دولت‌های موجود دارد، ترکیبی غیرمنطقی است. در ادبیات انگلیسی زبان این گروه اخیراً با عنوان (Islamic State) معرفی می‌شود. تغییر نام داد، گروهی از تروریست‌های بین‌المللی هستند که از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گردهم آمده‌اند. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر و راه‌اندازی «شبکه دایق» و مجله‌ای با همین عنوان، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت به ظاهر الهی و تکلیف برگشت‌ناپذیر مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضای و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی در گروه و فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آن‌ها (تلاش برای ایجاد خلافتی بزرگ که در نهایت غرب را هم به قلمرو خود خواهد افزود) موجب شده است که سیر رشد آن‌ها در میان گروه‌های مختلف افراطی به صورت تصاعدی باشد. گستره جغرافیای وسیعی از اردن و یمن گرفته تا عربستان و لیبی و از بلژیک در اروپا تا اندونزی در شرق آسیا تحت تأثیر تبلیغ و نفوذ فکری آن‌ها قرار گرفته است. بر اساس اظهارات «ماری هاف» - سخنگوی وزارت خارجه آمریکا - حداقل ۱۲ هزار جنگجوی خارجی از ۵۰ کشور به سوریه رفته‌اند تا در نزاع این کشور که از سه سال پیش آغاز شد مشارکت کنند. (آمریکا: ۱۲ هزار خارجی از ۵۰ کشور در سوریه می‌جنگند، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۳۱، در: www.asriran.com)

در این میان، مسئله داعش متأثر از شرایط و تحولات جدید بین‌المللی در آگوست و سپتامبر ۲۰۱۴م (مرداد و شهریور ۱۳۹۲) وارد فاز جدیدی شده است. تحولات داخلی عراق و شکنندگی ساختارهای نظامی و سیاسی در این کشور، مشکلات ناشی از انتقال قدرت به دولت جدید العبادی، سوء کارکرد دولت نوری مالکی و بروز بحران نفوذ و اقتدار، فقدان نگرش راهبردی و بروز حرکت‌های جدایی‌طلب در کردستان عراق، ناکارآمدی نیروهای نظامی در برخورد با حرکت‌های چریکی و جنگ‌های نامنظم، هراس عمومی و آشفتگی عمیق مدنی و مهم‌تر از همه دستیابی داعش به منابع مالی جدید و اعمال کنترل بر مناطق و مراکز حیاتی موجب شده است که معمای بدخیم تروریسم به یک شوک بزرگ و حتی به صورت محتمل به یک فاجعه بین‌المللی مبدل شود.

برآوردها نشان می‌دهد که داعش در سوریه و عراق بر مساحتی نزدیک به ۳۵ هزار مایل برابر با مساحت کشور اردن مسلط شده است. امکان سرریز شدن بحران به وجود آمده در عراق و سوریه به ایران و قرار گرفتن کشور ما بر لبه تیز بحران و بی‌ثباتی به وجود آمده در این دو کشور، مسئله‌ای است که شایسته تأمل است. متأثر از مشی اعلانی داعش



مبنی بر ضرورت چرخش راهبردی از مبارزه با غرب (چنان که القاعده دنبال می‌کرد) به مبارزه با شیعیان، سخن گفتن از تعابیری نظیر عراق عجم و اعلام حمله هوایی به تهران در نقشه‌های نظامی خود، شاید بتوان گفت همه اقدامات داعش معطوف به یک هدف است: ضربه زدن به منافع ایران اسلامی.

مقدورات جمهوری اسلامی ایران

مسئله اصلی در مدیریت هوشمندانه تهدیدات و عبور از بحران، در نظر گرفتن امکانات و مقدوراتی است که در رویارویی با مسئله داعش در کشور ما وجود دارد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران دارای برخی زمینه‌ها و چشم‌اندازهای متمایز است که می‌تواند در رویارویی با داعش موجب بازدارندگی و ارتقای عملکرد نیروهای نظامی شود:

گسترده‌گی جغرافیایی ایران

گسترده‌گی جغرافیایی ایران و امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرزمینی گسترده موجب می‌شود که داعش نتواند به دلیل عدم بهره‌مندی از تعداد نفرات لازم (برآورد می‌شود داعش دارای ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ عضو است) و توانایی لجستیک برای پشتیبانی مستمر تمایلی برای ورود به حریم سرزمینی ایران داشته باشد.

قابلیت و توان رزمی-دفاعی ایران

آموزش‌های مستمر نظامی و آشنایی نیروهای نظامی در نحوه رویارویی با نیروهای نامنظم و آموزش نبرد نامتقارن موجب شده است که از لحاظ کیفی توان دفاعی-نظامی ایران با عراق یا سوریه قابل مقایسه نباشد. بهره‌گیری از نیروهای مردمی و گروه‌های نامنظم در برخورد با اشراک و تروریست‌ها تجربه‌ای است که در ایران آزمون شده و حتی مورد کپی‌برداری نیروهای عراقی و سوری قرار گرفته است.

انجام درونی نیروهای نظامی و تمرکز در تصمیم‌گیری

برخلاف آنچه که به واسطه تشتت در تصمیم‌گیری در شهر فلوجه عراق در دی‌ماه ۱۳۹۲ اتفاق افتاد و موجب سقوط این شهر و تصرف آن به‌دست داعش شد، در ساختار تصمیم‌گیری کشور ما نوعی تمرکز عالی وجود دارد که مانع از تشتت در تصمیم‌گیری در لحظه مقتضی می‌شود. رهبری هوشمندانه و تصمیم‌گیری منسجم نقطه قوت ساختار نظام جمهوری اسلامی در برخورد با مسائل حاد امنیتی است.

فقدان زمینه‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی لازم برای نفوذ و قدرت‌یابی افراط‌گرا و جریان‌های نزدیک به داعش

به‌رغم برخی تفاوت‌های مذهبی در نقاطی از کشور و افزایش میزان بیکاری در میان جوانان، آن‌ها اغلب تمایل دارند از طریق سازوکارهای مسالمت‌آمیز و مدنی به حقوق خود دست یابند. به‌رغم آن که در برخی مراکز و حوزه‌های علمیه اهل‌تسنن رگه‌هایی از آموزش‌های سلفی وجود دارد، ولی اغلب خود را همسو با جریان‌های تکفیری نمی‌دانند.

بر آورد خطر و تهدید

در کنار این مزایا و جایگاهی که ایران برای مقابله با جریان‌های تروریستی و گروه‌هایی نظیر داعش دارد، آسیب‌ها و مخاطراتی نیز وجود دارد که نباید از نظر دور داشت. در ادامه برخی از خطرات و تهدیدهایی که می‌بایست در رابطه با نقش‌آفرینی داعش در اطراف مرزهایی ایران مدنظر قرار گیرد، مطرح می‌شود:

مسئله مذاکرات هسته‌ای و تلاش غرب برای اثرگذاری بر توان دفاعی ایران

ایالات متحده و غرب تمایل دارند تا از طریق تطویل بحران داعش، ایران را در یک موقعیت رویارویی فرسایشی با این گروه قرار دهند. به‌رغم اعلام رسمی ایالات متحده برای رویارویی با داعش، بر اساس عطف نظر به تجارب پیشین نظیر طالبان در افغانستان می‌توان گفت که تطویل بحران بهترین گزینه برای غرب است. زیرا علاوه بر ایجاد زمینه برای حضور بیگانگان در منطقه و امکان فروش تسلیحات، موجب به چالش کشیدن امنیت و اقتدار نیروها و ساختارهای ضد نظام سلطه نظیر ایران و حزب‌الله لبنان می‌شود. به‌رغم آن که داعش خود را قادر به رویارویی گسترده با ایران نمی‌بیند، اما تلاش خواهد کرد با هدف اثرگذاری بر فرایندهای آتی به اقدامات احتمالی نظیر تاکتیک جنگ از راه دور و موشک‌پرانی به نواحی مرزی، حملات انتحاری، بمب‌گذاری، راهزنی و... متوسل شود.

تلاش برای ایجاد تنش و آشوب مدنی در شهرهای مختلف برای از بین بردن کانون تمرکز

در صورتی که تنش‌های مرزی با داعش ایجاد و یا استمرار یابد، اقداماتی از سوی بیگانگان برای ایجاد ناآرامی‌های مدنی و تحمیل هزینه‌های مضاعف صورت خواهد گرفت.



مخاطرات این اقدام بیشتر در نواحی حاشیه‌ای شهرها و شهرهای دارای تفاوت زبانی و مذهبی خواهد بود. مرزهای شرقی کانون دیگری از بحران خواهد بود که فرقه‌گرایی و افراط‌گرایی دست‌ساخته و تسهیل زمینه‌های قاچاق اسلحه و مواد مخدر توسط سرویس‌های بیگانه در آنجا شیوع خواهد یافت.

سیاست ارباب و وحشت توسط داعش موجب شده که در بین مردم عادی و غیرنظامی نوعی ترس از مواجهه بروز یابد. داعشی‌ها در برخی مناطق عراق تلاش کرده‌اند تا از طریق پوشیدن یونیفرم‌های نظامیان عراق به راهزنی زمینی و قتل، غارت و اعدام دسته‌جمعی بپردازند.

با توجه به تحرکات صورت گرفته در کردستان سوریه و عراق، خطر ایجاد یک وحدت ناخواسته بین اکراد ایران، عراق و سوریه و حتی ترکیه وجود دارد. این مسئله می‌تواند به نحو جدی مشکل آفرین باشد، زیرا در صورت دامن زدن به ایجاد نیروهای کردی در مقابله با داعش و استفاده از تعابیری نظیر نیروهای پیشمرگه کرد زمینه‌های بحران تشدید می‌شود.

توصیه‌های راهبردی

- روند رو به رشد تحرکات افراط‌گرایانه و خشونت‌بار و بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر تروریسم، پاک‌سازی قومی، نسل‌کشی، آشوب‌ها و جنگ‌های چریکی توسط کنش‌گران مختلف از یک‌سو و آثار به مراتب زیان‌بار آن‌ها به خاطر ویژگی عدم تقارن و پیش‌بینی‌ناپذیری در کاربست تاکتیک‌ها از سوی دیگر باعث شده است تا محافل سیاست‌گذاری و علمی به دنبال چاره‌اندیشی برای تقابل باشند. افراط‌گرایی و خشونت سیاسی پدیده پیچیده‌ای است که نمی‌توان آن را صرفاً بر اساس یک عامل مشخص درک کرد و برای ارائه توضیحی قانع‌کننده از این پدیده، باید رهیافتی چند عاملی را در نظر گرفت. رهیافتی که بتواند متغیرهای سه سطح فردی، ساختاری و محیطی (داخلی و بین‌المللی) را در نظر بگیرد. بنابراین، باید تلاش کرد برای درک رفتار افراد، نحوه شکل‌گیری و عملکرد سازمان‌های تروریستی و بررسی عوامل محیطی تعیین‌کننده و تسهیل‌کننده گرایش به خشونت و افراط‌گرایی سیاسی از چشم‌انداز نظریه‌های گوناگونی بهره گرفت. در سطح فردی عواملی نظیر منفعت‌جویی، احساس هویت‌یابی با گروه‌های تروریستی، باورهای فرد و همگرایی ایدئولوژیک با گروه‌های تروریست، نقص در فرایندهای اجتماعی شدن، تجارب زندگی مشقت‌بار و احساس نارضایتی از زندگی و توانایی تصور گزینه‌های دیگر نقش دارند. در سطح ساختاری و محیطی عواملی نظیر نبود دموکراسی و آزادی‌های مدنی، عدم حاکمیت قانون، نابرابری شدید طبقاتی، ضعف در ساختارهای قدرت، نوسازی سریع، گسترش ایدئولوژی‌های افراطی، جنگ‌های

داخلی، انقلاب، سازمان‌های بین‌المللی، بازیگران خارجی، ناکامی دولت‌ها در جذب نیروهای اجتماعی و رویدادهای تحریک‌کننده نظیر بحران‌های اقتصادی می‌توانند در بروز خشونت و افراط‌گرایی سیاسی نقش‌آفرینی کنند.

- همسویی کامل و هدفمند قوای نظامی و انتظامی ذیل فرامین مقام معظم رهبری و حفظ همدلی بین قوا.

- تلاش مؤثر برای ایجاد اجماع بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با داعش و برجسته کردن مخاطرات امنیتی احتمالی برای کشورهای منطقه و جهان.

- تجهیز و آماده‌باش کامل نیروهای امنیتی و نظامی در مرزهای غربی کشور و آشنایی کامل آن‌ها با نبردهای چریکی و نامتقارن. نکته مهم در این زمینه این است که نباید معادله دفاعی فقط در مناطق مرزی دیده شود، بلکه در مناطق جنوبی و شرقی نیز باید پیش‌بینی‌های لازم تمهید شود.

- راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست بر اساس راهبردی پیشدستانه سامان یابد. بدین معنا که همکاری با دولت عراق برای مبارزه با داعش در خاک عراق استمرار یابد و جدی‌تر از گذشته در اطراف مرزها نوعی عملیات پیشگیرانه طراحی و دنبال شود.

- شیوه مواجهه داعش با نیروهای دولتی تابعی از ایجاد سپر انسانی و ایجاد جنگ شهری در مناطق پر جمعیت است. در واقع، توانایی داعش برای مبارزه هم‌زمان با پنج دولت، برآمده از همین امر است. بنابراین، بهترین راهبرد برای زمینگیر کردن نیروهای داعش جلوگیری از ورود آن‌ها به مناطق شهری است. استفاده مؤثر از نیروهای نظامی در مناطق مرزی و سد کردن نفوذ نیروهای داعش در مناطق غیر مسکونی راهبردی است که به هیچ‌وجه نباید نادیده گرفته شود. استفاده از موانع طبیعی، ایجاد موانع و حصارهای استوار، کنترل نامحسوس و استفاده از پهبادهای شناسایی و مین‌گذاری مناطق قابل نفوذ راهکاری است که باید در این زمینه جدی گرفته شود. بنابراین، سیاست کشاندن دشمن به درون مرزها و سپس نابود کردن آن‌ها راهبردی غیرمنطقی در رویارویی با تاکتیک‌های مؤثر و البته غیرانسانی داعش در جنگ شهری (نظیر کشتار وسیع، غارت تسلیحات و منابع مالی) است. در نتیجه، شایسته است ضمن توجه دقیق به ماهیت رفتارهای غیرانسانی داعش، از هرگونه ایجاد هراس در افکار عمومی جلوگیری کرد؛ زیرا انگیزه اصلی داعش از انتشار تصاویر منجرکننده و غیرانسانی قتل انسان‌های بی‌گناه، ایجاد هراس و وحشت در مردم غیرنظامی و جلوگیری از مقاومت احتمالی آن‌ها است. گزینه مطلوب در اینجا فقط یک چیز است: هیچ راه‌حلی جز مقاومت در برابر داعش وجود ندارد.



ایجاد زمینه‌های ساختاری لازم برای ارتقای معیشت و توانمندی‌های مردم مناطق مرزی

از آنجایی که در مناطق مرزی غرب کشور، هم‌وطنان اهل‌تسنن نیز حضور دارند باید تمهیدات عملی را برای ارتقای جایگاه و منزلت آنان فراهم آورد. آنچه در این میان می‌تواند بیش از همه مؤثر باشد رعایت جایگاه هر یک از نیروها و گروه‌های هویتی، تخصیص عادلانه منابع، ممانعت از فزون‌خواهی، بازتوزیع منصفانه منافع، تعدیل مطالبات شهروندان جهت دستیابی به زمینه‌های مشترک و اتخاذ مواضع میانه‌روانه‌تری است که امکان حصول به تصمیم‌گیری‌های قابل پذیرش فراهم شود. مشارکت در تصمیم‌گیری و ایفای نقش اهل‌تسنن در رابطه با مدیریت شهرها - اگر از موضع اقتدار و نه در شرایط ایجاد بحران صورت گیرد - می‌تواند موجب همدلی و همبستگی ملی و جلوگیری از ایجاد یک ائتلاف ناخواسته بین سلفی - تکفیری‌ها و اهل‌تسنن داخل کشور شود.

ضرورت تغییر قواعد بازی

داعش بر خلاف اسلاف تروریست خود نظیر القاعده، اولویت خود از مبارزه با غرب را به مبارزه با شیعیان تغییر داده است. راهبرد جمهوری اسلامی باید تغییر این معادله باشد نه افتادن در قواعد بازی ناشی از این معادله. بنابراین، باید تلاش شود با ایجاد همگرایی و همدلی بین شیعه و سنی در کشور، آن‌ها را متوجه خطر اصلی یعنی افراطی‌گری و خشونت‌طلبی کرد. دستور کار ایجابی می‌تواند تلاش برای ایجاد اتحادیه منطقه‌ای، ایجاد بازار اسلامی و یا سازمان‌های دو و چندجانبه باشد. هم‌چنین توجه دادن کشورهای منطقه به جنایات رژیم صهیونیستی در حمله به غزه یکی از راهکارهای مطلوب در این زمینه است.

منابع:

- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۱). زمینه‌های اجتماعی و روان‌شناختی خشونت و افراط‌گرایی سیاسی. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ش ۳۲، زمستان، صص: ۱۴۸ - ۱۱۱.
- Conteh-Morgan, Earl (2004). Routledge. Collective Political Violence: An Introduction to the Violent Conflicts, Taylor & Theories and Cases of Francis
 - Stone, Dan (2004). Journal of Social Theory 7 Genocide as Transgression, European (1): 65- 45
 - Halliday, F. (2002) Consequences, London: Saqui Books. Two Hours that Shook the World: September 11th, 1002, Causes and Katona, Peter (2006). Intriligator and TERRORISM, EPIDEMICS AND WEAPONS OF MASS THE HISTORICAL IMPACT OF COUNTERING TERRORISM AND WMD. DESTRUCTION, in Edited by Peter Katona, Michael D. John P. Sullivan,